دانش
بارش برف در تمام سال ۲۸

دانش
جنوبگان گرم‌تر از همیشه ۲۸

خانه
شمعدان آویز ۲۹

جامعه
جاذبه توریستی روستایی در خراسان ۳۰

آسیب‌شناسی اقتصادی مین

بایزید مردوخی

غیرانسانی‌ترین و وحشیانه‌ترین حربه جنگی، مین است، چرا که در جنگ ناجوانمردانه می‌کشد و در صلح ددمنشانه زندگی را تباه می‌کند. در ۱۰ سال گذشته، کشورهای غربی میلیاردها دلار صرف آگاه‌سازی از مین کرده‌اند و به مردم، به کشاورزان و دانش‌آموزان می‌گویند که به مناطق آلوده به مین نروند – ولی می‌روند به خاطر آن که فقیرند: آنها باید گوسفند داشته باشند تا زندگی کنند، گوسفند علف می‌خواهد، علف جایی است که مین گذاری شده است.

مین خسارت‌ها و هزینه‌های زیادی را به بار می‌آورد: خسارت‌های فردی شامل مرگ، نقص عضو، ازکارافتادگی و آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی همراه با آن خسارت‌های عمومی شامل هزینه‌های اقتصادی، مهاجرت‌ها و آوارگی‌ها، فقر، استهلاک منابع و ثروت‌های ملی، تغییر اولویت‌های سرمایه‌گذاری، نارضایتی مردمی و بحران‌های محلی و منطقه‌ای. بررسی آثار و عواقب مین، مستلزم توجه همزمان به همه این جنبه‌ها است و کلیت و جامعیت این بررسی است که می‌تواند تا حدودی مانع از انتقادهای افرادی شود که با تکیه بر جنبه‌های عاطفی، هرگونه محاسبه کمی آثار مین را بی‌توجهی به آه مادران دلسوخته و یتیمان پدر از دست داده می‌دانند – غافل از این که به هر حال چون نمی‌توان کمیت آه مادران و یتیمان را اندازه‌گیری کرد، لازم است ابعاد فاجعه را برای آموزش مردم، متقاعدسازی دولت‌های مرکزی و محلی برای اولویت دادن به پاکسازی مین و تخصیص منابع لازم برای این منظور و همچنین برای جلب مشارکت و حمایت مالی و معنوی مردم و سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی از برنامه‌ها و اقدامات عملی مربوط به جلوگیری از تولید، فروش، انبار کردن و کاربرد مین، به صورتی عینی، کمی و قابل درک و محاسبه بیان کرد. تنها از این طریق است که می‌توان ردیفی در بودجه دولت‌ها، تردیدی در دل جنگ‌افروزان و جنگ‌سالاران، تغییری در خط تولید صنایع مرگ و توقفی یا تاملی در تلاش‌های بازاریابی سوداگران مرگ به وجود آورد.

این بررسی مختصر تنها به آثار اقتصادی مین و پاکسازی مین می‌پردازد و استفاده از واحدهای پولی ریال و دلار به معنای چشم‌پوشی از رنج و عذاب و غم و اندوه سرشار بازماندگان قربانیان از دست رفته و قربانیان آسیب‌دیده نیست و امید است اهل سخن و قلم در جهت آگاه‌سازی هرچه بیشتر مردم و مسئولین و اهل عمل نیز در جهت ریشه‌کنی هرچه سریع‌تر این شر بزرگ از سرزمین ما و همه جوامع بشری تلاش نمایند.

■ تا اول اکتبر ۲۰۰۴

۳۳ کشور در قاره آمریکا کنوانسیون را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند و یک کشور (هائیتی) تنها آن را امضا کرده است و کشور ایالات متحده آمریکا و کوبا آن را نه امضا و نه تصویب کرده‌اند.

۴۲ کشور در آسیا، قفقاز و آسیای مرکزی کنوانسیون را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند، ۲ کشور آن را امضا کرده و ۹ کشور آن را نه امضا و نه تصویب کرده‌اند.

۵ کشور در خاورمیانه کنوانسیون را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند (اردن، الجزایر، یمن و قطر) و ۱۳ کشور آن را نه امضا و نه تصویب کرده‌اند. ایران تا آن تاریخ کنوانسیون را نه امضا و نه تصویب کرده است.

۴۶ کشور در آفریقای جنوب صحرا کنوانسیون را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند، یک کشور آن را امضا کرده (اتیوپی) و یک کشور آن را نه امضا و نه تصویب کرده است. (سومالی)

۱۸ کشور در آسیای شرقی و جنوبی کنوانسیون را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند، ۵ کشور آن را امضا کرده و ۱۷ کشور آن را نه امضا و نه تصویب کرده است.

به این ترتیب تا اول اکتبر ۲۰۰۴ جمعاً ۱۴۴ کشور کنوانسیون را تصویب کرده و به آن پیوسته‌اند، ۹ کشور تنها آن را امضا کرده و ۴۲ کشور آن را نه امضا و نه تصویب کرده‌اند.

■ مین و توسعه

مین زمینی مانع عمده‌ای بر سر راه رشد و توسعه و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در بعضی از کشورها و مناطق آلوده به مین است، زیرا مناطق تولیدی را غیرقابل دسترسی می‌کند و پاکسازی اراضی آلوده به مین، به حجم کار بسیار سنگین، هزینه عظیم و زمانی طولانی نیاز دارد و این در حالی است که منابع مالی و بودجه‌ای قابل تخصیص به این امر محدود است. اضافه بر این، در کشورهای فقیر و حکومت‌های غیردموکراتیک، کار پاکسازی مین از اولویت لازم برخوردار نمی‌شود.

جلوگیری از آزادی حرکت، آشکارترین و موثرترین عاملی است که با وجود مین در یک سرزمین، تولید و تجارت را متوقف می‌کند. قدرت تولیدی و بهره‌برداری افراد در اثر عدم دسترسی به محل تولید و فعالیت خود به علت آلودگی به مین و در نتیجه آوارگی و جابه‌جایی، به شدت کاهش می‌یابد.

هزینه‌های مربوط به وجود میدان‌های مین در سرزمین‌های آلوده به مین به طور کلی مربوط است به موارد زیر:

■ هزینه‌های حمایت از جمعیت‌های وسیعی که به دلیل مین‌های زمینی از محل کار و زندگی خود خارج شده و به صورت پناهنده به مدت چندین سال در نقاط دیگر مستقر و یا آواره می‌شوند.

■ نقصان باروری اراضی و تخریب آنها در اثر بلااستفاده ماندن طولانی.

■ از بین رفتن درآمد جمعیت‌هایی که به مهاجرت و پناهندگی آنها منجر می‌شود.

■ وابستگی جمعیت به کمک‌های لازم برای تامین نیازهای زیربنایی و جایگزین تاسیسات از بین رفته یا غیرقابل بهره‌برداری به علت مین‌گذاری مانند سیستم آبیاری کشاورزی.

■ افزایش هزینه‌های بازسازی و احیای راضی در نتیجه تورم و تخریب بیشتر آنها در طول زمان.

■ خسارت‌هایی که در بلندمدت به زمین‌های نیالوده به مین در نتیجه استفاده‌های شدید و مکرر برای کشت یا چرای دام، وارد می‌شود.

■ هزینه‌های مربوط به درمان، مراقبت و نگهداری از مصدومین معلول که باید برای مدت‌های طولانی انجام شود.

■ هزینه‌های مربوط به جبران خسارت افرادی که در جریان پاکسازی مین قربانی انفجار شده و یا آسیب می‌بینند.

■ هزینه‌های اقتصادی مربوط به عملیات پاکسازی مین.

فایده‌های پاکسازی مین عبارت است از کاهش تعداد حوادث مربوط به مین (در انسان و حیوان) و احیای زمین برای کاربردهای مولد. در نتیجه احیای زمین فعالیت‌های تولیدی و کشاورزی و دامپروری بدون ترس از مین گسترش پیدا می‌کند و شرط لازم برای رفع فقر تامین می‌شود. از آنجا که هزینه‌ها و فایده‌های پاکسازی مین در طول سال‌های آینده تحقق پیدا می‌کند، هر دو جریان هزینه و فایده سال‌های آینده به ارزش فعلی خالص تبدیل می‌شود و برای این منظور از یک نرخ تنزیل (۵ یا ۱۰ درصد) استفاده می‌شود.

برآورد هزینه‌ها و فایده‌های اقلام مختلف بر حسب قیمت‌هایی صورت می‌گیرد که نه تنها در کشورهای مختلف متفاوتند، بلکه در مناطق مختلف یک کشور هم یکسان نیستند. به عنوان نمونه، ارزش خالص تولید اراضی کشاورزی در افغانستان در هر کیلومتر مربع (۱۰۰ هکتار) زمین در مناطق شمالی سالانه ۱۳۵۰۰ دلار آمریکایی و در ایالت‌های قندهار و زابل تا ۵۲۰ هزار دلار آمریکایی متفاوت است. ارزش خالص تولید دامپروری در هر کیلومتر مربع مرتع بین ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار آمریکایی برآورد شده است.

زیان اقتصادی ناشی از یک حادثه منجر به فوت اصابت مین به یک نفر هم در کشورهای مختلف متفاوت است. شاخص (جایگزین) مناسب برای تخمین زیان اقتصادی ناشی از فوت یک نفر انسان متوسط (از نظر سن، مهارت، درآمد و...) را می‌توان بهره‌وری یعنی ارزش افزوده سرانه قرار داد که در کشورهای مختلف متفاوت است – هر چند ارزش والای هر فرد انسانی قابل محاسبه نیست و شاید در همه جا برابر باشد.

زیان اقتصادی وارده بر اثر اصابت مین به هر یک نفر در افغانستان معادل ۱۲ هزار دلار آمریکایی برآورد شده است و خسارت فرد ناشی از اصابت مین به تنهایی معادل ۹ هزار دلار آمریکایی است، که بر این اساس ارزش فعلی خالص این خسارت از نظر اقتصادی در یک دوره ۱۵ ساله معادل ۶۹ هزار دلار آمریکایی است. یعنی یک مصدوم مین که در سال معینی قربانی می‌شود، حداقل خسارت اقتصادی آن را اگر تنها به ۱۵ سال آینده محدود کنیم، ارزش فعلی خالص این خسارت ۱۵ ساله، امروز ۶۹ هزار دلار آمریکایی است.

ارزش خالص تولید اراضی کشاورزی در هر کیلومتر مربع (۱۰۰ هکتار) زمین در هر سال در مناطق شمالی افغانستان ۱۳۵۰۰ دلار آمریکایی و در ایالت‌های قندهار، زابل و اوروزگان تا ۵۲۰ هزار دلار آمریکایی تخمین زده شده است. فایده پاکسازی اراضی آبی، بسیار بیشتر از این ارقام و تا ۱/۵ میلیون دلار آمریکایی در هر یک کیلومتر مربع (۱۰۰ هکتار) در سال است.

ارزش خالص دامپروری در هر کیلومتر مربع (۱۰۰ هکتار) مرتع ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار آمریکایی برآورده شده و خسارت وارد شده به دام‌ها در نتیجه حوادث مین، سالانه حدود ۲۵۰۰ دلار آمریکایی در هر یک کیلومتر مربع (۱۰۰ هکتار) است.

فایده حرکت بر روی جاده‌های پاکسازی شده از مین، در مقایسه با راه‌های طولانی‌تر و خطرخیزتری که برای در امان بودن از خطر جاده‌های آلوده به مین باید طی کرد، عبارت است از هزینه و وقت صرفه‌جویی شده مسافران در سفر بر روی جاده‌های امن. فایده ناشی از پاکسازی جاده‌ها از مین بسیار زیاد است و طبق برآوردهای به عمل آمده سالانه معادل ۲۵۰ هزار دلار آمریکایی در هر ۵۰ کیلومتر است.

هزینه پاکسازی مناطق آلوده به مین، بیشتر از هزینه پاکسازی میدان‌های جنگ است. هزینه پاکسازی مناطق آلوده به مین در هر متر مربع ۰/۷۷ دلار آمریکایی در سال ۱۹۹۹ بوده در حالی که پاکسازی میدان‌های جنگ معادل ۰/۰۳ دلار آمریکایی در هر متر مربع بوده است.

در مقایسه کارایی دو روش پاکسازی مین یعنی روش استفاده از سگ‌های تعلیم‌دیده و روش پاکسازی توسط گروه‌های متخصص، عملکردها نشان داده است که روش پاکسازی با استفاده از سگ‌های تعلیم‌دیده، کاراترین روش بوده و به طور متوسط در هر یک ساعت ۳/۵ برابر زمین آلوده به مین را در مقایسه با گروه‌های متخصص پاکسازی می‌کنند.

بازده اقتصادی پاکسازی مین به طور کلی زیاد است، به‌ویژه اگر فایده‌های اضافی غیرقابل کمی کردن ناشی از مین‌زدایی که در مورد افراد، جوامع محلی و مناطق وجود دارد، مورد توجه قرار گیرند. بالاترین بازده پاکسازی مین در استان‌ها و مناطقی است که از سیستم‌های آبیاری استفاده می‌شود و شرایط بهتری برای کشاورزی وجود دارد. در این گونه مناطق، همه روش‌های پاکسازی مین دارای توجیه اقتصادی هستند.

پاکسازی زمین‌های مرتعی (مرغزارها) را می‌توان بر پایه ملاحظات تنگ‌نظرانه اقتصادی و به این دلیل که دارای بهره‌وری پایین‌تری نسبت به سایر زمین‌ها – مثلاً زمین‌های کشاورزی – هستند، واجد اولویت ندانست اما هر انسانی که در اثر اصابت به مین در زمین‌های مرتعی هم آسیب ببیند و هر چوپانی که از فعالیت اقتصادی محروم شود، خسارتی به حساب می‌آید که هرگز قابل چشم‌پوشی در اولویت گذاری‌ها نیست. گفتنی است که در انتخاب روش پاکسازی مین در زمین‌های مرتعی و مرغزارها، استفاده از سگ‌های تعلیم‌دیده و یا روش‌های استفاده از افراد قومی قابل توجیه‌اند و سایر روش‌ها از نظر اقتصادی توصیه نمی‌شوند.

به طور کلی استفاده از سگ‌های تعلیم‌دیده برای پاکسازی مین، برترین روش است و دارای بالاترین نسبت فایده – هزینه است و هیچ‌یک از روش‌های دیگر چنین بازدهی را ارائه نمی‌کنند. بررسی‌ها و مشاهدات تجربی نشان داده است که استفاده از روش‌های دستی برای پاکسازی مین ۱/۵ برابر بیشتر از روش‌های مکانیکی هزینه دارد.

برآورد خسارات اقتصادی مین، به صورت میانگینی وزنی از معلولیت نسبی افراد قربانی انفجارهای مین صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه، خسارات اقتصادی یک نفر قربانی نوعی مین در افغانستان بر اساس درجه معلولیت و آمار واقعی نوع صدمات وارده به قربانیان در آن کشور به صورت زیر برآورد شده است:

درجه معلولیت قربانیان در صورت مرگ ۱۰۰ درصد، در صورت نابینایی ۷۰ درصد و در صورت نقص عضو ۶۰ درصد محسوب شده است. جراحت‌ها نیز بر حسب شدت و ضعف آن بین ۵۰ تا ۲۰ درصد تعیین شده است. از این رو در صورتی که اصابت مین به مرگ قربانی بینجامد، خسارت اقتصادی وارده معادل ۱۰۰ درصد ارزش کاری فرد به حساب می‌آید و در صورت نابینایی معادل ۷۰ درصد که به معنای آن است که شخص قربانی مین با از دست دادن بینایی خود ۷۰ درصد از بهره‌وری و کارایی خود را در باقی مانده حیات خود از دست می‌دهد.

توزیع قربانیان مین نشان می‌دهد که در مجموع حادثه‌های ناشی از مین، چند درصد از قربانیان تلف می‌شوند، چند درصد نابینا و چند درصد دچار نقص عضو و یا مجروح می‌شوند. حوادث مین در افغانستان نشان داده است که:

۳۱ درصد قربانیان مرده‌اند،

۶ درصد قربانیان نابینا شده‌اند،

۴۰ درصد قربانیان دچار نقص عضو شده‌اند،

۱۲ درصد قربانیان دچار جراحت شدید و ۱۱ درصد آنها دچار جراحت ضعیف شده‌اند.

با استفاده از این دو نسبت (درجه معلولیت و توزیع قربانیان) می‌توان خسارت یک قربانی نوعی مین را به صورت یک میانگین وزنی از نظر اقتصادی برآورد کرد. برآورد خسارت اقتصادی یک قربانی نوعی مین، در تحلیل‌های هزینه – فایده طرح‌های مین‌زدایی و پاکسازی مین، مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد. به طوری که در جدول پیشین دیده می‌شود، میزان خسارت اقتصادی یک قربانی نوعی مین در افغانستان ۹۰۲۱ دلار آمریکایی برآورد شده است. اما خسارت اقتصادی برای هر مصدوم منجر به مرگ ۱۶ هزار دلار و برای هر مصدوم منجر به جراحت حدود ۱۲۵۰۰ دلار بوده است. رقم خسارت اقتصادی ۹۰۲۱ دلار دربرگیرنده نسبت‌های مختلف از انواع آسیب‌ها و درجات مختلف معلولیت در یک قربانی نوعی مین است.

در افغانستان برای پاکسازی مین، بین سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۸ جمعاً ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری انجام شده است که سود سالانه‌ای معادل ۵۰/۳ میلیون دلار بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۸ به بار خواهد آورد. هر گاه این سود سالانه را برحسب ارزش فعلی خالص برآورد کنیم، مجموع این بازده در طول ده سال مذکور، رقمی بین ۹۳۵ تا ۱۷۴۴ میلیون دلار (بسته به نرخ تنزیل به کار گرفته شده) خواهد بود. این بازده به صورت افزایش محصول کشاورزی، صرفه‌جویی در زمان و هزینه حمل و نقل، جان‌های نجات‌یافته انسان‌ها، هزینه‌های صرفه‌جویی شده مربوط به حمایت از پناه‌جویان، افراد بی‌خانمان و جابه‌جا شده، عاید اقتصاد افغانستان می‌شود.

■ برآوردی اقتصادی از خسارات انسانی مین در ایران

روش‌های ارزشیابی خسارات انسانی ناشی از حوادث، برپایه میزان منابع مورد نیاز برای تصحیح آثار حوادث، متکی است. در این روش‌ها، هزینه‌هایی که جامعه برای بازگردانیدن قربانی یا منسوبین و دوستان او به حالتی که قبل از وقوع حادثه داشتند باید تقبل کند، محاسبه می‌شود. در روش سرمایه انسانی، خسارت وارد شده بر جامعه در نتیجه مرگ یا معلولیت یکی از اعضای آن جامعه، بر پایه زمان کار یا ارزش تولیدی مختص آن فرد محاسبه می‌شود. در این روش هزینه مرگ یا معلولیت بر پایه تولید بالقوه آینده قربانی محاسبه می‌شود. ارزش تولید سال‌های آینده برحسب ارزش فعلی آن تنزیل می‌شود و برای این کار از یک نرخ تنزیل مثلاً ۱۰ درصد استفاده می‌شود. در این روش‌ها می‌توان ارزش تولید یک فرد را به دو صورت ناخالص یا خالص محاسبه کرد. در روش محاسبه ارزش تولید خالص، هزینه‌های مصرفی فرد را می‌توان کسر کرد تا ارزش تولید از دست رفته جامعه بدون قربانی به دست آید. قربانیان مین در ایران به طور عمده در دو گروه سنی قرار دارند: گروه سنی فعال از نظر اقتصادی (۱۸ تا ۶۵ سال) و گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال. گروه سنی فعال از نظر اقتصادی، نقش مثبتی در تولید ناخالص داخلی دارد. تولید ناخالص داخلی هر فرد را در ایران می‌توان حدود ۲۵ میلیون ریال و یا ۲۸۹۰ دلار آمریکا برآورد کرد. نیروی کار یا جمعیت شاغل کشور، معادل ۱۹ میلیون نفر است و می‌توان بهره‌وری یا تولید سرانه هر فرد را با توجه به ۱۹۶/۴ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی کشور (یا معادل ریالی آن ۱۶۷۰ تریلیون ریال) حدود ۱۰۳۵۰ دلار (یا ۸۸ میلیون ریال) محاسبه کرد. بنابراین نقش مولد و بازده بالقوه هر قربانی مین در گروه سنی فعالی از نظر اقتصادی را می‌توان سالانه معادل ۸۸ میلیون ریال (ناخالص) برآورد کرد و در مورد هر قربانی مین در گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال نیز، همین رقم را معادل نقش مولد یا بازدهی بالقوه اقتصادی او در هنگامی که به گروه سنی فعال از نظر اقتصادی وارد می‌شود، محسوب کرد.

با فرض یک سن متوسط ۲۵ سال برای هر قربانی نوعی مین، متوسط عمر کاری و مولد او را، در هر دو گروه سنی و با در نظر گرفتن امید زندگی در ایران، می‌توان معادل ۲۵ سال فرض کرد. در این صورت ارزش فعالی بازده بالقوه از دست رفته، با نرخ تنزیل ۱۰ درصد در سال در طول یک دوره ۲۵ ساله، معادل ۷۹۸/۸۶ یا حدود ۸۰۰ میلیون ریال به‌ازای هر یک نفر قربانی مین خواهد بود.

بر پایه اطلاعات پراکنده، تعداد تلفات انسانی انفجارهای مین ضدنفر در ایران از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۳ جمعاً ۷ هزار نفر بوده که ۹۵ درصد آنها غیرنظامی و ۴۰ درصد آنها کودکان بوده‌اند. تعداد مصدومین دو برابر این رقم است.

در استان‌های غربی کشور، در طول جنگ ایران و عراق، ۱۲ تا ۱۶ میلیون مین کاشته شده است که مساحتی معادل ۴ میلیون هکتار از اراضی این استان‌ها را آلوده کرده است.

طبق آمار بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در استان کرمانشاه، ۴۳ درصد از مصدومین جان خود را از دست داده‌اند. با توجه به اینکه سطح خدمات درمانی در سایر مناطق آلوده کشور، پایین‌تر از سطح استان کرمانشاه است، می‌توان نسبت تلفات مین را در سایر استان‌ها بیشتر دانست و به حقیقت این گفته باور کرد که به ازای هر مصدوم زنده مین، یک نفر جان خود را از دست می‌دهد.

هر گاه براساس آمار تعداد مصدومین در طول ۱۷ سال (۱۳۸۳ – ۱۳۶۷)، میانگین سالانه مصدومین را ۸۰۰ نفر فرض کنیم و ارزش فعلی بازده بالقوه از دست رفته هر نفر را ۸۰۰ میلیون ریال بدانیم، سالانه معادل ۶۴۰ میلیارد ریال از توان تولیدی بالقوه کشور در اثر حوادث انسانی مربوط به مین از دست می‌رود.

با این فرض‌ها و برآوردهای مبتنی بر آنها، خسارت اقتصادی سالانه مصدومین حوادث مین در ایران، حدود ۸۰ میلیون دلار است. این رقم تنها برآورد خسارات اقتصادی مستقیم انسانی است و ارزش فعالیت‌های غیرپولی مصدومین در خانواده و اجتماع، در آن منظور نشده است. ارزش اقتصادی این فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی را نمی‌توان کمتر از ارزش اقتصادی خسارت انسانی مین در فعالیت‌های قابل تقویم به پول دانست. حوادث مین، موجب بروز خسارت‌های عظیمی از نظر رفاه انسانی و اجتماعی می‌شود که هر گونه برآورد کمی ارزش آنها، صرف‌نظر از روش تخمین و اندازه آن، بحث‌ها و مناقشه‌های زیادی را به بار می‌آورد.

در برآوردهای فوق‌الذکر، هزینه‌های سنگین جانی و مالی پرسنل دولتی مین‌زدایی در مناطق آلوده کشور منظور نشده است. سنگینی این هزینه‌ها و مساعی طاقت‌فرسای پرسنل مین‌زدایی به علاوه خسارات سنگین قربانیان مین، ایجاب می‌کرد که حساب و کتاب مین بسیار شفاف‌تر از آنچه هست باشد و همواره به آگاهی مردم به ویژه در استان‌های غربی کشور می‌رسید ولی متاسفانه حسابدهی و شفافیت در این مورد بسیار ضعیف است.

رقم برآورد شده خسارت انسانی مین در هر سال (۸۰ میلیون دلار)، ممکن است برای کشوری که تنها درآمد حاصل از صادرات نفت خام آن در هر روز بیش از دو برابر آن است، ناچیز به حساب آید ولی می‌تواند این انتظار منطقی و حداقلی را مطرح کند که با اختصاص حداکثر درآمد ۱۰ روز صادرات نفت خام به پاکسازی مین، بتوان هر سال ۱/۵ تا ۵ میلیون مین ضدنفر را پاکسازی و همه مین‌های ضدنفر کاشته شده در کوه‌ها، مزارع و مراتع روستایی استان‌های غرب کشور را ظرف ۳ تا ۱۰ سال خنثی و نابود کرد. با این اقدام ملی و انسانی، گامی اساسی و عملی در جهت رفع تبعیض و برابری عدالت اجتماعی و اقتصادی برداشته می‌شود که شکوفایی اقتصاد و ایجاد شور زندگی و تلاش سازندگی در استان‌های غربی کشور را به دنبال خواهد داشت.

منابع:

۱ – بروشورها، بولتن‌ها، بریده روزنامه‌ها و گزارش‌های «کانون مشارکت در پاکسازی مین».

– تعداد مین‌های مدفون در جهان	۶۰ میلیون عدد
– تعداد مین زمینی موجود در انبارها	۱۰۰ میلیون عدد
– هزینه خرید یک مین زمینی	۳ تا ۳۰ دلار
– هزینه پاکسازی یک عدد مین	۳۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار
– تعداد مصدوم به ازای پاکسازی هر ۱۰۰۰ عدد مین	۱ نفر
– طول عمر مرگبار هر مین زمینی	تا ۱۰۰ سال
– تعداد قربانیان مین در هر ماه (مرگ یا نقص عضو)	۲۰۰۰ نفر
– تعداد معلولین در اثر اصابت با مین زمینی در جهان	۲۵۰ هزار نفر
– تعداد کشورهایی که در سال گذشته قربانی مین داشته‌اند	۷۱ کشور
– مقدار خون مورد نیاز هر قربانی مین	۲ برابر خون مورد نیاز هر مجروح جنگی
– تعداد عملیات جراحی مورد نیاز هر قربانی مین	۴ برابر عملیات جراحی هر مجروح جنگی
– تعداد مین کاشته شده در استان‌های غربی کشور	۱۲ تا ۱۶ میلیون عدد

نوع خسارت	درجه معلولیت (درصد)	توزیع قربانیان (درصد)	برآورد خسارت (دلار)
مرگ	۱۰۰	۳۱	۳۶۱۶
نابینایی	۷۰	۶	۶۱۰
نقص عضو	۶۰	۴۰	۳۵۹۹
جراحت شدید	۵۰	۱۲	۹۴۰
جراحت ضعیف	۲۰	۱۱	۲۵۷
خسارت یک نفر قربانی نوعی مین			۹۰۲۱

نگاه

سس گوجه‌فرنگی بدون هویت شهری

فریبرز رحیمی

امروزه تصور کلان شهرها بدون بیلبوردها و تلویزیون‌های بزرگ تبلیغاتی امکان‌پذیر نیست و تبلیغات شهری جزء جدایی‌ناپذیر از کالبد شهر شده است. استفاده مناسب از آن نه تنها باعث تنوع و زیبایی بصری در فضای شهری می‌شود همچنین منبع درآمدی برای شهرداری است تا آن را صرف بهینه‌سازی و خدمات شهری نماید.

در اواخر سال گذشته شاهد نصب تلویزیون بزرگی در تقاطع پارک‌وی و ولی‌عصر بودیم. این تلویزیون تبلیغاتی بدون رعایت تناسب در امتداد کریدور بصری در زیباترین خیابان شهری در ولی‌عصر نصب شد. خیابان اصلی که نه تنها شمال تهران را به جنوب وصل می‌نماید بلکه یکی از معدود خیابان‌های تاریخی تهران است که از شاخص‌های زیبایی شهری برخوردار بوده و واجد یاد و خاطره جمعیتی است. با ردیف چنارهای سر به فلک کشیده که با تغییر هر فصل زیبایی خاص خود را دارد که نه تنها در ذهن کسانی که در تهران زندگی می‌کنند بلکه برای مسافرینی که یک بار از این خیابان گذشته باشند جایگاه خاصی را می‌یابد. با توجه به این جنبه‌ها مشاور منطقه بعد از ماه‌ها تحقیق و بررسی تصمیم به ساخت پلی گرفته که پایه‌های ظریف و ضخامت کمی داشته باشد و مانع پیوستگی دید و منظر خیابان ولی‌عصر نباشد. تا به این ترتیب امتداد بصری و همپیوستگی چنارها و دید به کوه حفظ شود اگر چه هزینه ساخت آن خیلی بیشتر از آنچه که تصور می‌شود انجام پذیرفت.

در عصر جهانی شدن شهرهای بزرگ دارای شاخصه‌ها و ظرفیت‌های بالقوه هستند که برای سیما و هویت شهری اهمیت ویژه‌ای دارا است. در بسیاری از کشورهای جهان شاهد هستیم علاوه بر حفظ و تقویت هویت‌های قدیمی در ایجاد مفاهیم جدید شهری تلاش‌های زیادی انجام می‌شود تا با ایجاد فضای شهری، خیابان یا میدان یا ساختمان‌هایی شاخص، جایگاه خود را در عصر جدید ارتقا بخشند. به طور مثال اسپانیا در چند سال اخیر با ایجاد ساختمان موزه گوگنهایم توسط معمار بزرگ فرانک گری در شهر پرآشوب و نابسامان بیلبائو نه تنها باعث شد کشور اسپانیا و شهر بیلبائو جهانی شده بلکه تاثیر این عنصر شهری بر کل ساختار اجتماعی و فرهنگی این شهر مشهود است. به طوری که اکنون این شهر تبدیل به یکی از مراکز مهم توریستی جهان شده است که سالانه میلیون‌ها نفر از این شهر به خاطر این بنا که تبدیل به یک شاخص فراشهری در حد جهانی شده بازدید می‌کنند و تاثیر این بنا بر ساختار شهر به نحوی است که ساکنان با مشارکت در امور شهری و بهتر کردن فضای اجتماعی و فرهنگی سعی در جذب توریست بیشتر دارد.

همچنین در شهر پاریس تراکم ساختمان‌ها قوانین خاصی دارد که هیچ ساختمانی نمی‌تواند ارتفاعی داشته باشد که مانع دید به برج ایفل شود، اگرچه شهرداری پاریس می‌تواند درآمد زیادی از طریق فروش تراکم کسب کند. در کلان‌شهری مانند تهران ارزش‌های طبیعی و شاخص‌های شهری محدودی را می‌توان تعریف کرد و جای تامل دارد اگر در راستای تقویت یا خلق ارزش‌ها تلاشی صورت نمی‌گیرد لااقل مانع انهدام هویت‌های موجود شد.

حال این سئوال در ذهن ایجاد می‌شود که صرف این همه نیرو، کار کارشناسی و زمان و هزینه برای ساخت پلی با این مشخصات که باید خود یکی از المان‌های شاخص شهری باشد نصب تلویزیون تبلیغاتی به این بزرگی بدون توجه به قوانین شهری و موقعیت فضایی در چنین خیابان مهمی (ولی‌عصر) برای چه بوده؟ نوع تبلیغات و رنگ‌بندی تابلوهای تبلیغات به لحاظ اصول طراحی شهری دارای قوانین مشخصی است که منجر به هماهنگی و زیبایی بیشتر در محیط می‌شود.

به کارگیری تکنولوژی جدید صرفاً در مبحث سخت‌افزاری آن خلاصه نمی‌شود، استفاده درست از فرهنگ کاربردی این تکنولوژی است که ارزش‌های پایداری برای شهر ایجاد می‌کند.

آیا مقدار هزینه‌ای که شهرداری از این طریق کسب می‌نماید ارزش نابودی هویت شهری و زندگی مردم را دارد؟ شهرداری تهران امروز به نرم‌افزار کاربری طرح و هدایت توسعه منجر شده است ولی متاسفانه در عمل آن را نادیده می‌گیرد.

مشاوران مناطق و کارشناسان مسائل شهری با همکاری و نظر مردم عناصر، عوامل و راهکارهای حفظ و ارتقای هویت شهری هستند، که متاسفانه همچنان نادیده انگاشته می‌شوند.